



خانه بنان پیش از تخریب

صدای حزن آلود کارگر افغانی بالای داربست‌های ساختمان نیمه‌کاره توی فضا زخمه می‌زند؛ داربست‌هایی که درست روی آوارهای خانه قدیمی بنا شده؛ خانه‌ای که درخت‌هایش از دیوارهایش بلندتر بود و روی خودش خم شده بود؛ خانه‌ای که بیچ‌های امین‌الدوله بغلش کرده بودند. زنگ در ورودی زیر انبوه برگ‌های انگور گم شده بود و صدایش در نمی‌آمد.

یکسال پیش که سربلایی جمال‌آباد را پسران پسران بالا آمدیم، مسوولان از وجودش تصور گنگ و نامفهومی داشتند اما اهالی محل حضورش را فراموش نکرده بودند و با دست، خانه قدیمی را نشان می‌دادند که در انبوه برگ‌ها و درخت‌های کهنسال و درهم گم بود. شیروانی‌های خانه در تعمیرات مداوم جان گرفته بودند. دیوارهایش مثل بیشتر خانه‌های قدیمی نم‌کشیده نبود و اگر فرصت داده بودند، می‌توانست سال‌های سال روی با پایستد و نگهبان خطرات استاد آواز ایران باشند. می‌خندد، کارگر افغانی «خانه گم کردماید!»

سر تکان می‌دهم یعنی «ها» مثل «های» در آینه، خانه گمشده؛ خانه قدیمی استاد غلامحسین بنان. همین چند وقت پیش می‌شد روی دیوارهای انثیری‌اش دست کشید و گوش‌به‌گوش خانه داد و آوازهای با شکوه بی‌زوال استاد را حس کرد. اینجا جمال‌آباد نیاوران است؛ همان محله‌ای که سربلایی نفسگیرش نفس‌های استاد بنان را به شماره می‌انداخت. اینجا کوچه میناست؛ همان کوچه‌ای که می‌شد به نام استاد بنان نامیدش. پس کو خانه پلاک ۱۲. گنجشک‌ها هم انگار خانه‌ای گم کرده باشند، توی کوچه گیج، ولگردی می‌کنند. آخر از درخت‌های کهنسال خانه هم خبری نیست.

معاملات ملکی روی‌روی کوچه مینا؛استاده و عابر پریشان احوال را درمی‌یابد و سر تکان می‌دهد؛ «بی‌خود به خودتان دردرس ندید. خانه استاد بنان همین ساختمان پنج‌طبقه است. یکسال پیش صاحبخانه آن را فروخت و خانه را تخریب کردند. دیر آمدید. دیگر خانه‌ای به نام خانه استاد بنان توی محله جمال‌آباد کوچه مینا وجود ندارد.»

تمام. مرگ یک خانه. محو تاریخ آواز زیر نخله‌های یک ساختمان. به لحظه احتضار هم نرسیده‌ایم. خانه استاد آواز ایران را با تمام خاطراتش ریخته‌اند پایین و ساختمانی سنگی ساخته‌اند گوش به گوش ساختمان پنج‌طبقه که بگناری دیگر نوای شیدای استاد بنان را از رگ و پی دیوارهای سنگی نمی‌شنوی و حالا کارگر افغانی بالای آن دارد با صدایی که از ته گنگی و گیجی می‌آید، آواز خوانی می‌کند. آقای جوزی همان معاملات ملکی است که خانه جمال‌آباد نیاوران را برای استاد بنان خریده بود.

آژانس املاکش هنوز هم هست؛ تنها چند قدم بالاتر رویه‌روی خانه خراب‌شده استاد بنان. آقای جوزی مسوول برگزار ی مراسم ختم بنان هم بوده و همه اتفاقات آن روزها را به خوبی به‌یاد می‌آورد: «خانه استاد را زیر یک‌میلیون تومان، نهصدوخردامی برایش خریدم. البته همه این ساختمان دوطبقه متعلق به استاد بنان نبود. طبقه دوم که مترازش حدود ۲۰۰متر بود، طبقه اول مال دیگری بود.» بیش از ۱۲سال پیش همسر بنان خانه را فروخت. با این سربلایی تند رفت‌وآمد برایش سخت شده بود. چندی‌پیش دستی سرورویش کشیده بودند اما هنوز هم جزو ساختمان‌های قدیمی خیابان و

ماجرای مرگ یک ساختمان

بنایی روی آوارهای خانه «بنان»

نسرین ظهیری

کوچه‌ای بود که استاد بنان روزگارش را در آن سپری می‌کرد. برای دیدن حیاط روی انگشت‌ها ایستادیم حیاط خانه پر از درخت‌های پیر چنار و اقاقی‌هایی بود که انگار عروسی گرفته بودند. سنگفرش زیر درختچه‌ها و بوته‌ها پیدا نبود. ساختمان دوطبقه که بنان از سال ۵۴ در طبقه دوم آن زندگی می‌کرد، ایوانی رو به بلندی‌های دماوند داشت که از آن منظره باغ‌های نیاوران آن سال‌ها را می‌شد دید؛ باغ‌هایی که حالا آپارتمان شده‌اند؛ باغ‌های سنگی تهرانی‌ها. شیب تند خیابان، خانه را در وضعیتی قرار می‌داد که از روی ایوان طبقه‌دوم می‌شد دماوند را بغل کرد. نفس داد به نفس خنکش و این برای مرد آواز ایران لایذ موهبتی بوده، گرچه او سال‌هایی در این زندگی می‌کرد که بیماری دیگر توان خواندن و نفس‌چاق کردن را از او دریغ کرده بود. وقتی هنوز خانه ویرانه نبود، اهالی خیابان نشانی را روی هوا می‌زدند و با انگشت، دست روی خانه‌ای می‌گذاشتند که استاد بنان در آن نفس کشیده بود، خانه استاد بنان در ذهن

مردم خیابانش گم نبود. اما صاحبانش صدای استاد را که لای درخت‌های کهنسال می‌پیچید، حرمت نکرده و از خانه آوار ساخته‌اند. تلاش بی‌دریغ برای بنان برای مراقبت از خانه همسر پراوازه‌اش بی‌نتیجه ماند. سال‌ها بود که در خانه قدیمی زندگی نمی‌کرد و عطای خانه دل‌انگیز جمال‌آباد را به سختی راه دورش پخشیده و رفته در قلب تهران زندگی کند. تا آنکه دور از چشم خبرنگارها بی‌سروصدا خانه تخریب شد. حالا کجا می‌شود سر زد و علت مرگ خانه استاد بی‌بدیل را پرسید. کارشناس امور اجتماعی شهرداری منطقه‌یک تهران ماجرا را که می‌شنود

با تعجب می‌گوید: «واقعاً؟ راستش ما اصلاً خبر نداشتیم. منظورم این است که نفع‌تها از ماجرای تخریب خانه بنان خبر نداشتیم، بلکه اصلاً نمی‌دانستیم که خانه استاد در منطقه ما قرار دارد.

این حرف را الان تازه از شما می‌شنویم. درست است که شهرداری برخی از خانه‌ها مثل خانه استاد انتظامی و دکتر حسایی را در این منطقه تبدیل به موزه کرده اما شهرداری معمولاً پیشقدم نمی‌شود و باید فرزندان یا بازماندگان خودشان پیشنهاد موزه‌شدن خانه‌ها را ارایه کنند و اینجا هم خواسته آنها بررسی می‌شود. ما از خانواده استاد بنان هرگز چنین درخواستی را نداشتیم. اگر پیگیر می‌شدند، شاید می‌شد کاری کرد. اما ما حتی خبر نداشتیم که خانه استاد بنان در

این خیابان بود.»

هومن صدر پسر-خوانده استاد بنان هم دلایل خودش را برای فروش خانه دارد: «موزه‌کردن یک خانه کار چندان ساده‌ای نیست. خانه‌های مشاهیر دیگر هم‌چنین وضعیتی دارند و داشتند. خانه‌هایی که میراث‌فرهنگی و شهرداری برای این کار خریده‌اند، انگشت‌شمار و استثناست. البته در مورد مشاهیر موسیقی وضعیت ویژه‌تری وجود دارد و موزه‌کردن خانه آنها چندان موردنظر مسوولان نیست و خانه صبا هم یک استثناست. مطمئن باشید هر اقدامی هم می‌کردیم، نمی‌توانستیم آنها را راضی کنیم که خانه را آن هم از مالکی که دیگر ما نبودیم بخرند و آن را موزه کنند. وقتی به مالکان بگویی خانه را برای موزه می‌خواهند قیمت‌های نجومی می‌دهند و کار جلو نمی‌رود. البته ظاهرا کودکی‌های استاد بنان در محله زرگنده یا قلهک بود. من در مورد این خانه از مادرم س‌سوال کردم حتی مادرم هم از این

خانه بی‌خبر است. فکر می‌کنم خود استاد هم دقیقاً محل این خانه را نمی‌دانستند. همه‌چیز آن خیابان عوض شده و قبلاً آنجا کوچه‌باغ بوده و پیداکردن خانه‌ای به این قدمت کار ساده‌ای نیست.»

موسوی کارشناس میراث‌فرهنگی استان تهران اما می‌گوید ما در جریان بودیم. می‌دانستیم خانه استاد بنان همچنان در محله جمال‌آباد وجود دارد و سرپاست. بررسی‌هایی هم در موردش انجام گرفته بود اما به دلایل بسیاری این‌ خانه و بحث موزه‌شدن و خریداری‌اش از طرف میراث هرگز مطرح نشد. معمولاً در مورد استادان موسیقی کمتر می‌شود

این مسایل را مطرح کرد.

سیدمحمد بهشتی، مشاور سازمان میراث‌فرهنگی اما چندان با این نظرات موافق نیست: «علت اینکه خانه استاد بزرگی مثل استاد بنان در بی‌توجهی تخریب شده، این نیست که میراث‌فرهنگی نسبت به مشاهیر حوزه موسیقی حساسیت دارد. تاکید می‌کنم نگاه میراث به همه مشاهیر بدون قضاوت و ارزش‌گذاری و پیشداوری است. همچنان‌که بسیاری از ابنیه تاریخی ثبت‌شده که منش صاحب آنها مطابق با رویکرد میراث نیست اما از آنها محافظت می‌شوند.»

علت اصلی آن است تخمین زده شده که حدود یک‌میلیون ابنیه و آثار بازمانده از بزرگان و مشاهیر در کشور وجود دارد که واجد



خانه بنان پس از تخریب. عکس: اکبر هاشمی

ارزش‌های تاریخی یا معنوی هستند. قاعدتاً سازمان اینها را باید بررسی و مستندسازی کند که هم‌اکنون این کار به شکل گسترده‌ای در حال انجام است. زمان زیادی می‌برد تا پرونده این آثار ثبت تاریخی شود. البته ممکن است تا نوبت به بسیاری از این آثار برسد برخی از آنها مثل خانه استاد بنان احیاناً صدماتی ببینند. نباید همه این مسوولیت‌ها را بر عهده میراث گذاشت. نهادهای دیگری مثل وزارت ارشاد و شهرداری و مرکز موسیقی هم باید نسبت به این مسأله حساس و فعال باشند. خوشبختانه همین تکراری و ناراحت‌شدن از تخریب این خانه‌ها ارزشمند است. این ناراحتی خبر خوشی است. گرچه بناهای بسیاری را از دست داده‌ایم اما آثار زیادی همچنان باقی است. می‌توان جلو تخریب آنها را گرفت. البته برخی از بازماندگان حساسیت و پیگیری و تلاش لازم برای حفظ این آثار را ندارند.

از طرف دیگر باید تلاش‌های نهادها در این زمینه مورد تایید و اقبال عمومی و رسانه‌ای قرار بگیرد تا این نهادها بدانند تلاششان در این زمینه علی‌السویه نیست و سرمایه‌های اجتماعی نسبت به این آثار بی‌تفاوت نیستند. از نظر من در مقایسه با دهه‌های گذشته این حساسیت به‌وجود آمده. البته باید فعال‌تر و کارا تر عمل شود و همگان خودشان را مسوول بدانند.»

چندی پیش که خبر آوارشدن خانه بنان در صفحه اول روزنامه‌ها جا خوش کرد مسوولان و آنها که قرار بود نگهبان خانه مشاهیر ایران باشند بازی کی بود کی بود من نبودم را راه انداختند. هر کس دیگری را متهم به بی‌توجهی کرد و او ناله مختصری کردند و همه چیز پایان یافت. جالب‌تر آنکه خانه استاد انقدر برای همه تصویر ناروشنی داشت که اغلب رسانه‌ها پیگیر وضعیت خانه نشدند و تنها به درج خبر چندخطی اکتفا کردند. حتی عکس‌هایی که از خانه استاد مخابره شد تصویر خانه دیگری بود.

خانه پنج‌طبقه‌ای که به جای خانه استاد بنان ساخته شده به ناک‌کاری رسیده. چند وقت دیگر هیچ عابری خاطره سبز خانه‌ای که سر کوچه مینا جا خوش کرده بود را به یاد نخواهد آورد. حالا دیگر شهر تهران از حضور استاد بنان خالی است. خانه بچگی‌هایش گم و خانه بزرگسالی‌اش فروخته شده.

چنان تونمندی که روزگاری استاد بنان زیر سایه‌اش نفس‌گیری می‌کرده و سایه‌هاش روی سر خانه قدیمی چتری بوده به خاطر ملات و سیمانی که احتمالاً پای همین دیوار و درخت چال کرده‌اند به یک تنه لخت‌وعور تبدیل شده و سرمای این زمستان را تاب نخواهد آورد. این تنه بی‌باروبری و بی‌شاخ و برگ تنها یادگار وامانده از خانه‌ای است که روزگاری مردی با عینک بزرگ سیاه زیر آن تمرین می‌کرده: «با ما بودی، بی‌ما رفتی. چون بوی گل به کجا رفتی؟ تنها ماندم، تنها رفتی! چون کاروان رود.»

هیچ خیابانی و هیچ کوچه‌ای که به خانه قدیمی او در جمال‌آباد منتهی می‌شود به نام او نوشته نشده، هیچ مرکز موسیقی، هیچ فروشگاه عرضه‌کننده دستگاه‌های موسیقی، هیچ کتابفروشی، هیچ هیچ چیز نام بنان را بر پیشانی ندارد. با یک بغل از هیچ‌ها از شیب تند جمال‌آباد با تاکسی‌سرا زیر می‌شویم. راننده تاکسی گوش به ضبط صوت دارد و سر تکان می‌دهد. «مرغ‌سحر ناله سر کن…»

یادداشت

فرزندخواندگی وقانون

سارا نجیمی - **حقوقدان**

شاید یکی از قدیمی‌ترین راه‌های حمایت از کودکان در طول تاریخ پذیرفتن سرپرستی کودکان بی‌سرپرست باشد که به‌عنوان نخستین راه حمایتی به ذهن می‌رسیده است و به مرور زمان «فرزندخواندگی» تبدیل به نهادی قانونی شد که به موجب آن رابطه خاصی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می‌آید. در شرع اسلام رابطه بین فرزند و پدر و مادر تنها از طریق «ولادت مشروع» ایجاد می‌شود و تعریفی که در قانون ایران از نهاد «فرزندخواندگی» می‌شود، مفهومی کاملاً متفاوت از کشورهای غربی دارد، چون آثار ناشی از قرابت نسبی (رابطه بین پدر و مادر و فرزند) از قبیل «وارث» با «حرمت نکاح» به واسطه «فرزندخواندگی» ایجاد نمی‌شود. در ایران در سال ۱۳۵۳ با اقتباس از حقوق کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه، قانون فرزندخواندگی به تصویب رسید. اما پس از انقلاب اسلامی نام آن را «قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست» گذارند، به موجب بند دوم اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به حمایت از مادران و کودکان بی‌سرپرست شده و قانون مصوب ۱۳۵۲ نیز در راستای تأمین هدف قانون گزار، در همین راستا تصویب شد که شامل ۱۷ ماده و چندین تبصره است. ماده ۱ این قانون یکی از ملاک‌های سرپرستی را اقامت در ایران لحاظ کرده است. صدور حکم قطعی سرپرستی و صدور شناسنامه موجب قطع رابطه خویشاوندی طفل با پدر و مادر واقعی وی نخواهد شد، بلکه بند ۲ از ماده ۱۶ امکا فسخ سرپرستی در اثر توافق با پدر و مادر واقعی طفل را هم مطرح کرده است. همین‌طور بنا بر بند ۱ ماده ۱۶ قانون مذکور، در صورتی که سوء رفتار با عدم اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست مجرز باشد، تقاضای داستان سست سرپرستی قابل فسخ است. مطابق با ماده ۱۴ قانون «مفاد حکم قطعی سرپرستی به اداره ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر خواهد شد.» بر این اساس:

الف- فرزندخوانده نمی‌تواند با خویشان نسبی خویش نکاح کند و حکم سرپرستی هیچ تغییری در این امر ندارد.

ب- فرزندخوانده از اقوام واقعی خویش ارث می‌برد.

اما در حقوق کشورهای اروپایی خصوصاً فرانسه، فرزندخواندگی کامل، جدایی کامل کودک از خانواده اصلی‌اش و پیوستن به خانواده دیگری است و خانواده جدید کودک رابطه قبلی کودک با خانواده پیشینش را زایل می‌سازد و شاید این یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های فرزندخواندگی در ایران با سایر کشورها باشد. البته با توجه به اینکه «قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست» پاسخگوی نیازهای جامعه امروز نبوده، به همین جهت لایحه جدیدی تحت‌عنوان «حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست» سال ۱۳۸۸ به مجلس فرستاده شده است که تفاوت‌هایی با قانون فعلی دارد. به‌عنوان مثال:

۱- سن فرزندخواندگی از ۱۲ سال به ۱۶ سال افزایش می‌یابد.

۲- در قانون قبلی کودکانی قابل واگذاری از سوی بهزیستی بودند که سه سال از سرپرستی آنها در بهزیستی گذشته باشد که این زمان در قانون جدید به دو سال کاهش می‌یابد.

۳- یکی از شرایط والدین اقامت در ایران بود که در لایحه جدید این شرط مرتفع شده است.

قانون مصوب ۱۳۵۳ دارای ۱۷ ماده بود که در لایحه جدید به ۳۷ ماده افزایش پیدا کرده و انتظار می‌رود با تصویب این قانون جدید مشکلات بسیاری در زمینه سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست رفع شود.

۴- در قانون فعلی، فرزندخوانده فقط به والدینی داده می‌شود که حداقل پنج‌سال از ازدواج آنها گذشته باشد و صاحب فرزند نشده باشند (البته گواهی پزشک مبنی بر عقیم‌بودن یکی از زوجین از استثنائاتی است که نیازی به گذشت زمان پنج‌سال را ندارد)، اما در لایحه جدید خانواده‌هایی که یک فرزند دارند اما به علیی دیگر مجدداً نمی‌توانند صاحب فرزند شوند نیز می‌توانند فرزندخواندگیگیرند.

۵-در قانون جدید زنان و دختران مجردی که از موقعیت و جایگاه مطلوب اقتصادی و اجتماعی برخوردارند اما به هر دلیلی ازدواج نکرده‌اند، در اولویت بعدی دریافت فرزند هستند. در قنون حمایت از کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۵۳ از تابعیت زوجین سرپرست بحثی نشده است و بنابراین بنا بر ظاهر ماده اتباع بیگانه مقیم در ایران با داشتن سایر شرایط سرپرستی اطفال بدون سرپرست را خواهند داشت. تراضی زوجین نیز در قبول فرزندخواندگی شرط مهم دیگری است و اگر یکی از زوجین با این امر موافق نباشد با رضایت کتبی خود را به دادگاه اعلام نکند، تقاضای سرپرستی پذیرفته نخواهد شد، چرا که به‌طور کلی عدم رضایت یکی از والدین ممکن است در سلامت فضای روانی که قرار است کودک در آن بزرگ شود تاثیر گذارذ یا حتی منجر به این امر شود که کودک به بهزیستی برگردانده شود که این خود می‌تواند منجر به صدمات جبران‌ناپذیری برای کودک شود.

جدول ۱۹۲۷

افقی:

۱- بازیگر جوان و فقیذ فیلم «کلاهی برای باران» و سربال «خط‌قرمز» که دی‌ماه ۱۳۹۰ بر اثر تصادف درگذشت.
آر‌استگنی صفت ۲- کافد نامرغوب- سرباز روسی- از شیربینی‌های بزدی ۳- تور سیمی- وفادار- نوعی نان قندی ۴- درخت کریسمس- واحد سنجش طول- آبرو و عزت- مادر بزرگ ۵- آسان‌شده- پایان پذیر- عضو مشترکی در دست و پا ۶- فرم- نخ تالییده شده- تیراندازی به اهداف پروازی ۷- گرما و حرارت- ملار- حـالات و حرکات اندام به ویژه چهره ۸- واحد شمارش گوسفند- مجاز از کسی که اعتبار، نفوذ و کارایی خود را از دست داده- ناخوش ۹- هر یک از خادمان یک امیر- تونل- چوب خوشبو ۱۰- پدر مرده- سوراخ شکم- پوشن ۱۱- کجاست؟- قوم سیاهپوست بومی غنا- فعالیت بدنی منظم و برنامه‌ریزی شده ۱۲- دعای زیر لب- اندامی از گیاه- الهام- پژواک ۱۳- کمان چشم- پالسج مثبت- بیماری عفونی ناشی از نوعی باکتری که در خاک و زباله وجود دارد ۱۴- کلسنی فرنگی- انسان را پخته می‌کند- رودی در فرانسه ۱۵- آرم- بی‌بهره از سلامت و نیروی جسمی کافی.

عمودی:

۱- حشره حمام- لا ۲- یاقشاری- صورت حساب- سایه ۳- عقیف و پاکدامن- زن باحیا- خدمتکار پیر ۴- برج پنجم فلکی- غذای تزرقی- از کلمات شرط- وسط ۵- به دنیا آوردن- هاکول- دارای فعالیت شبانه ۶- تپه‌هایی که بر اثر فرسایش مشترک آب و باد در کویر پدید می‌آید- سگ بیمار- حقه و کلک ۷- جسمی جامد

۵	۷	۵	۳	۱	۵	۵	۸
۵	۸	۱	۷	۷	۳	۸	۱
۷	۵	۵	۸	۷	۱	۵	۵
۵	۷	۵	۱	۵	۸	۵	۵
۸	۵	۵	۵	۱	۷	۵	۵
۱	۵	۸	۵	۷	۵	۵	۵
۵	۵	۱	۸	۵	۵	۷	۵
۷	۱	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۵	۵	۷	۵	۵	۵	۱	۵

۳	۷	۹	۵	۸	۱	۲	۶	۴
۵	۲	۱	۷	۶	۴	۳	۸	۹
۴	۶	۸	۲	۳	۹	۵	۱	۷
۵	۲	۴	۶	۱	۷	۸	۹	۳
۱	۸	۳	۴	۹	۷	۲	۶	۵
۷	۹	۶	۸	۲	۳	۴	۵	۱
۹	۱	۵	۳	۴	۸	۶	۷	۲
۶	۴	۷	۹	۵	۲	۱	۳	۸
۸	۳	۲	۱	۷	۶	۹	۴	۵

جدول ۱۹۲۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵

سودوکو سخت ۵۷۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹

نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۹۳۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.